

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

در مباحث پیشین ، ضمن تعریف شفاعت به بیان حد و مرزهای آن پرداخته و مشروعیت آن را از نظرگاه آیات ، روایات و سیره‌ی مسلمین مورد بررسی قرار دادیم.

آنچه مورد اتفاق همه‌ی مسلمانان می‌باشد، ثبوت مقوله‌ی شفاعت در سرای آخرت است . اما سؤالی که در این میان به ذهن مخاطبین خطور می‌کند این است که آیا انسان در دوران زندگی خود می‌تواند از اولیای الهی طلب شفاعت کند یا خیر؟

پاسخ‌های متفاوت به سؤال فوق باعث اختلاف نظرهایی میان فرق مختلف مسلمانان شده است. آنچه از کتاب و سنت، به ویژه سیره‌ی نبی مکرم اسلام (ص) رسیده است حاکی از آن است که بعضی انسانها نه تنها در سرای آخرت مورد شفاعت اولیای الهی خواهند بود، بلکه در دوران زندگی خود نیز می‌توانند از آنها طلب شفاعت کنند اولیای الهی در آخرت ، ایشان را از این نعمت الهی بی‌بهره نخواهند گذاشت.

در این درس تلاش بر آن است تا به بررسی روایات در اثبات شفاعت در دوران پس از مرگ و همچنین طلب آن در دوران زندگی انسان پرداخته و این مقوله را در بستر شواهد تاریخی تبیین نماییم.

محتوای آموزشی :

درخواست شفاعت از پیامبر(ص) در دوران زندگی آن حضرت

با نگاه به روایاتی که دربارهٔ دورهٔ زندگی پیامبر خدا(ص) رسیده روشن می‌شود که اصحاب، از آن حضرت درخواست شفاعت می‌کردند که به دو مورد اشاره می‌کنیم :

۱. روایت انس

انس بن مالک می‌گوید : از پیامبر خدا(ص) درخواست کردم که در روز قیامت مرا شفاعت کند.

حضرت پذیرفت و فرمود : این کار را انجام می‌دهم.

به پیامبر(ص) عرض کردم : در آن روز شما را در کجا ملاقات کنم؟

فرمود : در کنار صراط .

عرض کردم : اگر آن جا شما را نیافتم ؟

فرمود : کنار میزان .

عرض کردم : اگر آن جا نیز شما را نیافتم ؟

فرمود : در کنار حوض ، به راستی که جز از این سه مکان ، جایی نمی‌روم.^۱

۲. روایت سواد بن قارب

در روایتی آمده است : روزی سواد بن قارب به حضور پیامبر اکرم(ص) آمد و با اشعاری از آن حضرت طلب شفاعت نمود و گفت :

و کن لی شفیعاً یوم لا ذو شفاعۃ سواک بمغن فتیلاً عن سواد بن قارب^۲

ای پیامبر ! در روز رستاخیز شفیع من باش ؛ روزی که شفاعت دیگران به حال سواد بن قارب به مقدار رشتهٔ نخ میانی خرما سودی نمی‌بخشد.

درخواست شفاعت از پیامبر(ص) پس از وفات آن حضرت

^۱ سنن ترمذی: ج ۴ ، ص ۶۲۱ ، ح ۲۴۳۳ . متن روایت چنین است : انس بن مالک گوید : سألت النبی(ص) أن یشفع لی یوم القیامة ؟ فقال : أنا فاعل.

قلت : فأین أطلبک؟

قال : أولاً علی الصراط .

قلت : فإن لم ألتک ؟

قال : عند المیزان.

قلت : فإن لم ألتک ؟

قال : عند الحوض ؛ فإتی لا أخطی هذا الموضع.

^۲ الاصابة : ج ۲ ، ص ۶۷۵ ، ح ۱۱۰۹ ؛ الأحادیث الطول طبرانی: ص ۲۵۶ ؛ الدرر السنیة فی الردّ علی الوهابیة : ص ۲۷ .

پیش‌تر گفتیم که درخواست شفاعت از پیامبر خدا(ص) فقط در دوران زندگی آن حضرت نبود؛ بلکه اصحاب پس از وفات آن پیامبر رحمت نیز از حضرتش درخواست شفاعت می‌کردند.^۱ در این زمینه چند روایت را نقل می‌نماییم.

۱. حضرت علی(ع) و طلب شفاعت از پیامبر(ص)

محمد بن حبيب می‌گوید: زمانی که حضرت علی(ع) از غسل پیامبر خدا(ص) فارغ شد و کفن بر قامت ایشان پوشاند، کفن را از صورت آن حضرت کنار زد و عرض داشت:

بأبي انت و أمي طبت حياً و طبت ميتاً... بأبي انت و أمي أذكرنا عند ربك؛^۲

پدر و مادرم به فدایت، پاک و پاکیزه زندگی نمودی و پاک و پاکیزه به پیشگاه خداوند شتافتی... پدر و مادرم به فدایت، ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن.

۲. ابوبکر از پیامبر طلب شفاعت می‌کند

عایشه می‌گوید: آن‌گاه که خبر وفات پیامبر(ص) به ابوبکر رسید... او خود را بر روی (پیکر مطهر) او انداخت و پارچه روی صورت آن حضرت را کنار زد و دست به صورت، پیشانی و گونه‌های ایشان کشید و در حالی که گریه می‌کرد عرضه داشت:... ای محمد! ما را در پیشگاه پروردگارت یاد کن.^۳

۳. طلب شفاعت اعرابی در حضور صحابه

در این باره احمد زینی دحلان روایتی را از ابن حجر عسقلانی نقل می‌کند. وی می‌نویسد:

^۱ شفاعت پیامبر گرامی (ص) و دیگر شافعان راستین در روز جزا، جز طلب مغفرت از خدا درباره گناهکاران امت چیز دیگری نیست، در این صورت، طلب شفاعت، در واقع طلب دعا از آنان خواهد بود و دعای آنان، در سایه قرب و مقامی که نزد خدا دارند، به هدف اجابت می‌رسد و طبعاً گناهکار مشمول مغفرت خدا می‌گردد. از طرفی، درخواست دعا از برادر مؤمن و فراتر از آن، از نبی گرامی کوچک‌ترین اشکالی ندارد، اگر ما می‌گوییم: «یا وجهاً عند الله، اشفع لنا عند الله» یعنی ای کسی که در پیشگاه خدا جاه و مقامی داری، در نزد خدا درباره ما شفاعت کن (دعا کن خدا گناه ما را ببخشد یا حاجت ما را برآورده کند)

اصولاً «استشفاع» یعنی طلب شفاعت، در کتاب‌های حدیثی و تفسیری به معنی درخواست دعا وارد شده است. مثلاً محدث معروف اهل سنت «بخاری» در صحیح خود، بابتی را تحت این عنوان منعقد کرده است «إذا استشفعوا إلى الامام ليستسقى لهم لم يردهم» «هرگاه مردم در هنگام قحطی از پیشوای خود بخواهند که برای آنان از خدا باران بطلبد، نباید درخواست آنان را رد کند»
با توجه به این اصل نباید درباره خواست شفاعت که حقیقت آن درخواست دعاست، شک و تردید کرد، زیرا درخواست دعا از مؤمن از امور پسندیده است، چه رسد به انبیاء و اولیاء، از این گذشته، برخی از یاران پیامبر از خود آن حضرت در زمان حیات و یا پس از درگذشت ایشان، درخواست شفاعت می‌کردند.

^۲ التمهید، ابن عبدالبر: ج ۲، ص ۱۶۲: شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید: ج ۱۳، ص ۴۲ شماره ۲۳.

^۳ تمهید الأوائل و تلخیص الدلائل، باقلانی: ج ۱، ص ۴۸۸: الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیة: ص ۳۴؛ سبل الهدی و الرشاد: ج ۲، ص ۲۹۹، ب ۲۸. متن حدیث در این منابع چنین آمده است:

«قالت عائشة و غيرها من الصحابة: إن الناس أفحموا و دهشوا حيث ارتفعت الرنة... حتى جاء الخبر بأب بكر... حتى دخل علي رسول الله(ص) فأكب عليه و كشف عن وجهه و مسح و قبل جبينه و خذیه و جعل يبكي و يقول: بأبي انت و أمي و نفسي و أهلي طبت حياً و ميتاً... اذكرنا يا محمد عند ربك»

در روایتی آمده است که حضرت علی(ع) فرمود: سه روز از تدفین پیامبر اکرم(ص) گذشته بود که عربی بادیه‌نشین به مدینه آمد و خود را روی قبر شریف پیامبر(ص) انداخت و از خاک قبر بر سر خود می‌ریخت و می‌گفت: ای رسول خدا! در دوران زندگی خود مطالبی را فرمودی، ما نیز آن‌ها را پذیرفتیم و همان‌گونه که تو از خداوند دستورات دینی را گرفتی، ما نیز دستورات را از تو فراگرفتیم. از آیاتی که خداوند بر تو نازل کرد این آیه بود که فرمود:

«ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً»^۱

و اگر آنان که به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز بر آنان طلب آمرزش می‌کرد به یقین خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

اینک ای رسول خدا! من به خودم ستم کرده‌ام و به درگاه تو آمده‌ام که برای من از خداوند طلب بخشش کنی. در این هنگام از قبر شریف پیامبر(ص) ندایی آمد که خداوند تو را بخشید.^۲

حیات پیامبران پس از رحلت

تردیدی نیست که پیامبران الهی به ویژه آخرین سفیر الهی حضرت محمد(ص) پس از رحلت خود از زندگی جاویدی برخوردارند؛ می‌بینند، می‌شنوند و اعمال اُمّت بر آنان عرض می‌شود.^۳

این حیات و زندگی از حیات شهیدان بالاتر است؛ چرا که به یقین مقام نبوت از مقام شهادت بالاتر است. پس طلب شفاعت از پیامبر پس از رحلتش، طلب شفاعت از مرده نیست.

در این باره عالمان و اندیشمندان مسلمان به اظهار نظر پرداخته‌اند که اینک دیدگاه برخی از آنان را می‌آوریم. قسطلانی می‌گوید:

لا شك أنّ حياة الأنبياء عليهم الصلاة والسلام ثابتة معلومة مستمرة، و نبينا أفضلهم، و إذا كان كذلك فينبغي أن تكون حياته أكمل و أتمّ من حياة سائرهم؛

بدون تردید زنده بودن پیامبران (علیهم السلام) پس از مرگ، امری ثابت، روشن و جاودانه است. از طرفی چون پیامبر ما از همه پیامبران برتر است، زندگی آن حضرت نیز پس از مرگ، کامل‌تر از دیگر پیامبران الهی خواهد بود.^۱

^۱ سورة نساء: آیه ۶۴.

^۲ الدرر السنّیة فی الرد علی الوهابیة: ص ۲۱، به نقل از الجوهر المنظم؛ تفسیر قرطبی: ج ۵، ص ۲۶۵، ذیل آیه سورة نساء: تفسیر بحرال محیط ابوحیان اندلسی: ج ۴، ص ۱۸۰، باب ۶۴؛ ذیل سورة نساء. در این منابع متن روایت چنین نقل شده است:

«قال العلامة ابن حجر فی «الجوهر المنظم»: وروی بعض الحفاظ عن أبي سعيد السمعاني أنه روی عن علی(ع) و كرم وجهه: إنهم بعد دفنه(ع) بثلاثة أيام، جاءهم أعرابي، فرمى بنفسه على القبر الشريف... و حتى ترابه على رأسه، و قال: يا رسول الله! قلت فسمعنا قولك و وعيت عن الله ما و عينا عنك، و كان فيما أنزل الله عليك قوله تعالى: «ولو أنهم إذ ظلموا...» و قد ظلمت نفسي و جتك مستغفر إلى ربّي.

^۳ برخلاف تصور منکرین شفاعت در دنیا شفیعیان واقعی زنده‌اند، از این رو مسلمانان در نمازهای فریضه هر روز پیامبر(ص) را خطاب می‌کنند و به او سلام می‌دهند، و می‌گویند: «السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته» از این گذشته در جایی که شهیدان راه خدا به حکم آیات قرآن (۷) زنده و شنوا هستند، قطعاً پیامبر شهیدان و امامان آنان نیز زنده و شنوا هستند.

شوکانی در کتاب «نیل الأوطار» در بخش «صلاة المخلوقات على النبي و هو في قبره حي» می نویسد :
 و قد ذهب جماعة من المحققين إلى أن رسول الله (ص) حي بعد وفاته و أنه يسر بطاعات أمته، و أن الأنبياء لا يبلمون ، مع
 أن مطلق الإدراك كالعلم و السماع ثابت لسائر الموتى ، وورد النص في كتاب الله في حق الشهداء أنهم أحياء يرزقون و
 أن الحياة فيهم متعلقة بالجسد ، فكيف بالانبياء و المرسلين و قد ثبت في حديث : « أن الأنبياء أحياء في قبورهم » .
 رواه المنذرى و صححه البيهقي ؛

گروهی از محققان می گویند : پیامبر خدا(ص) پس از رحلت زنده است و از طاعات اُمت خود مسرور و شاد
 می گردد و جسم پیامبران در قبر نمی پوسد. با این که مطلق علم و دانایی و شنوایی برای دیگر مردگان ثابت است و
 بنا بر صریح قرآن کریم شهدا زنده اند ، روزی می خورند و حیات و زندگی آنان به جسم و بدن آنها مربوط است.
 حال که شهدا این گونه هستند ، پس انبیاء و رسولان الهی به طریق اولی زنده و از حیات و زندگی با این بدن و
 جسم برخوردارند.^۲

ابن حجر هیثمی در کتاب خود از عبدالله بن مسعود نقل می کند که پیامبر(ص) درباره حیات خود پس از رحلتش
 چنین فرمود : «حیاتی خیر لکم تحدثون و يحدث لکم ، و وفاتی خیر لکم ، تعرض علی أعمالکم فما رأیت من خیر
 حمدت الله علیه و ما رأیت من شر استغفرت الله لکم» ؛

^۱ المواهب الدنیة : ج ۳ ، ص ۴۱۳

^۲ ولی در اینجا این سؤال مطرح می شود که مگر پیامبر(ص) با رحلتش تبدیل به خاک و به کلی نابود می شود یا - همان گونه که بعضی از علمای
 وهابی در حضور ما اقرار کردند - حیات برزخی دارد؟

اولاً : آیا مقام پیامبر(ص) از مقام شهدا که درباره آنها (بل احياء عند ربهم يرزقون) (سوره آل عمران ، آیه ۱۶۹) آمده پایین تر است؟
 ثانیاً : آیا در تشهد نماز که بر آن حضرت سلام می فرستیم و همه مسلمانان «السلام عليك ايها النبي . . .» می گویند ، به یک موجود خیالی سلام
 می کنند ؟

ثالثاً : آیا شما معتقد نیستید که در مسجد پیامبر (ص) و کنار قبر مطهر آن حضرت باید آهسته صحبت کرد ، زیرا قرآن می گوید (يا ايها الذين
 آمنوا لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبي . . .) (سوره حجرات آیه ۲) و این آیه را تابلو کرده و کنار قبر پیغمبر اکرم (ص) آویزان نموده اید؟
 رابعاً : مرگ نه تنها پایان زندگی نیست ، بلکه تولد ثانوی و گسترش حیات است ، « و الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا ؛ مردم خوابند هنگامی که مردند
 بیدار می شوند » (عوالی اللثالی ، جلد ۴ ، ص ۷۳

خامساً : در حدیث معروفی که در منابع معتبر اهل سنت آمده می خوانیم که « عبدالله بن عمر » از رسول خدا(ص) نقل می کند که فرمود : « من زار
 قبری وجبت له شفاعتی ؛ کسی که قبر مرا زیارت کند شفاعت من بر او حتمی است » (دار قطنی محدث معروف ، این حدیث را کتاب سنن
 خود آورده است . (جلد ۲ ، صفحه ۲۷۸) جالب این که مرحوم علامه امینی آن را از ۴۱ کتاب معروف اهل سنت نقل کرده است ! (الغدير ،
 جلد ۵ ، ص ۹۳)

در حدیث دیگری از همان راوی از پیغمبر اکرم (ص) آمده است : « من زارنی بعد موتی فکانما زارنی فی حیاتی ؛ هر کس مرا بعد از رحلتم کند
 مثل این است که در حیاتم مرا زیارت کرده باشد » . (همان مدرک قبلی ، علامه امینی آن را از ۱۳ کتاب نقل کرده است .
 بنابراین فرضیه تفاوت زمان حیات و ممات ، یک پندار واهی بیش نیست .

هم حیات و زندگی من برای شما مایه خیر است و هم دوران وفات من ؛ تمام اعمال شما بر من عرضه می‌شود. اگر کارهای خوب شما را ببینم خدا را سپاس می‌گویم و آن‌گاه که کردارهای بد شما را ببینم، از خدای عالم برای شما آمرزش می‌خواهم.^۱

ابن حجر در ادامه به معتبر بودن سند این حدیث اشاره می‌کند و می‌گوید: راویان این حدیث همان راویان صحیح بخاری و صحیح مسلم هستند.^۲

مسلم نیشابوری نیز در این باره در کتاب خود، حدیثی را از پیامبر(ص) نقل می‌کند که حضرتش فرمود: مررت علی موسی لیلۃ أسری بی عندالکثیر الأحمر و هو قائم یصلی فی قبره؛ هنگامی که به معراج رفتم دیدم که موسی(ع) در میان قبر نشسته و مشغول نماز بود.^۳

^۱ بیهقی در دلائل النبوة به صراحت دارد که در زمان خلافت جناب خلیفه دوم که قحطی آب آمد، یکی از صحابه به نام بلال بن حرث کنار قبر پیامبر اکرم(ص) آمد و عرضه داشت که: یا رسول الله! قد هلك الناس، استسق لامتك.

یا رسول الله! مردم بر اثر قحطی و نیامدن باران نزدیک است که نابود شوند، از خداوند برای مردم طلب رحمت کن. نبی مکرم(ص) به خواب او آمد و گفت برو نزد خلیفه و از من به او سلام برسان و بگو: در آینده‌ای نزدیک رحمت خداوند سرازیر خواهد شد. این روایتی است که در تمام کتب روایی اهل سنت آمده است. ابن حجر عسقلانی از استوانه‌های علمی رجال اهل سنت در کتاب فتح الباری، ج ۲، ص ۴۱۲ صراحت دارد که این روایت صحیح است. ابن کثیر دمشقی در کتاب البدایة و النهایة ج ۷، ص ۱۰۵ می‌گوید روایت صحیح است.

^۲ مجمع الزوائد: ج ۹، ص ۲۴؛ الجامع الصغیر: ج ۵۸۲، کنز العمال: ج ۱۱، ص ۴۰۷.

^۳ صحیح مسلم: ج ۷، ص ۱۰۲، کتاب فضائل حضرت موسی(ع)؛ المصنّف عبدالرزاق: ج ۳، ص ۵۷۷.

چکیده :

۱. با دقت در روایاتی که دربارهٔ دورهٔ زندگی پیامبر(ص) آمده است روشن می‌شود که اصحاب از آن حضرت طلب شفاعت می‌کردند که دو نمونهٔ آن عبارتند از :
درخواست انس بن مالک از حضرت برای شفاعت او در روز قیامت درخواست سواد بن قارب از پیامبر جهت شفاعت در روز قیامت
۲. اندیشمندان شیعه و سنی بر این عقیده‌اند که پیامبر اسلام (ص) پس از رحلت خود از زندگی جاویدی برخوردار بوده و اعمال امت را می‌بیند و می‌شنود.